

کنجکاو۱ که دود شد؛ دختران نوجوان در مسیر خاموش خطر

نسل تازه‌ای از دختران نوجوان در جمع‌های دوستانه، با ویپ، پاد و سیگارهای الکترونیکی آشنا می‌شوند؛ تجربه‌ای که از کنجکاو۱ آغاز می‌شود، اما می‌تواند مسیر پرخطر اعتیاد و آسیب‌های جسمی و روانی را هموار کند. این گزارش، سفری است از دیوارهای کاهنگی تا نوره‌ای تنونی شهر؛ روایتی انسانی از کنجکاو۱، عادت، فشارجمعی و جست‌وجوی آرامش در میان دختران نوجوان.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد مصرف دخانیات در دختران ۱۸ تا ۲۵ساله ۱۳۵ درصد افزایش یافته و مصرف قلیان در زنان نیز در پنج سال ۵۷ درصدرشد کرده است؛ موضوعی که از کاهش سن شروع مصرف و شکسته‌شدن قیج اجتماعی آن حکایت دارد. مسئولان هشدار می‌دهند دخانیات یکی از دروازه‌های ورود به اعتیاد است و گردش مالی این بازار سالانه حدود ۴۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

در پی این وضعیت، رئیس‌جمهور مصوبه «پیشگیری فرهنگی و اجتماعی از مصرف دخانیات» را ابلاغ کرده که بر آگاهی‌بخشی و پیشگیری با تمرکز بر مدارس، دانشگاه‌ها، فضای مجازی و اماکن عمومی تأکید دارد. هدف این برنامه مهار روند روبه‌رشد مصرف، کاهش سن شروع و تقویت نقش خانواده و جامعه در مقابله با دخانیات است.

از چپق تا ویپ؛ تغییر چهره یک عادت

در کوره‌های خاکی و حیاط‌های کاهگلی، ریش سپیدان محل در پناه دیوارهای آفتاب خورده زمستانی گرد هم می‌آیند. سکوت آرام محله با صدای نرم گشت‌وگواهیاشن و خش خش چپق جان می‌گرفت. دودی بی‌رنگ در هوا می‌پیچید و قصه‌ها و تجربه‌ها نقل می‌شد؛ ساده، بی‌تکلف و صمیمی.

سال‌ها گذشت. چپق‌ها آرام کنار رفتند و نام‌هایی چون «وینستون»، «بهن» و «تبر» بر سر زبان‌ها افتاد. سیگارها نشانی از شهری‌شدن و نوشدن بودند. اندک‌اندک بازار رنگارنگ‌تر شد؛ سیگارهای لایت و زبانه با ظاهری ظریف‌تر و بسته‌بندی‌های متفاوت آمدند و سلیقه‌ها تغییر کرد و امروز، ویپ‌ها و سیگارهای الکترونیکی با طعم‌های گوناگون و ظاهرهای مدرن، بی‌دود خاکستری چپق و بی‌خش خش کاغذسیگار، نماد دنیایی دیجیتال و شتابان شده‌اند.

در یک عصر معمولی، روی نیمکت‌های پارک، گروه‌های چهار تا پنج نفره از دختران نوجوان کنار هم نشسته‌اند؛ موسیقی پخش می‌شود و خنده‌هایشان در فضا می‌پیچد، اما در میان این هیاهوی جوانی، حلقه‌های دود آرام بالا می‌رود و همچون هم غلیظ صبحگاهی اطرافشان را فرامی‌گیرد؛ تصویری ساده، اما هشدارنده از گسترش مصرف دخانیات در میان دختران نوجوان. به جمع آن‌ها رفته اعتمادشان را جلب کرده و با آن‌ها وارد گفت‌وگو می‌شوم.

نسل تازه؛ عادت‌هایی در هیاهوی شهر

آرتیسا، ۱۵ساله‌ای خنده‌ای بلند در جمع دوستانش در خصوص کشیدن ویپ به ایسنا اظهار می‌کند: ترک عادت مرض است. من به ویپ عادت کردم. نمی‌گویم معتادم، اما عادت است؛ مثل سه وعده غذاخوردن. مگر هر کس سه وعده‌غذای خود معتاد است؟ از نظر من این موضوع آن‌قدرها هم جدی نیست و بیشتر شبیه یک عادت روزمره شده. یک چیزی مثل وقتی که آدم ناخودآگاه سرآغ گوشی‌اش می‌رود.

وی می‌افزاید: اوایل که خانواده‌ام فهمیدند، خیلی ناراحت شدند. مادرم گریه کرد و گفت: نگران من است. پدرم هم مدام نصیحت می‌کرد، اما من حس می‌کردم الکی شلوغش می‌کنند؛ به نظر من فقط یک دستگاه است که دود تولید می‌کند. در بعضی لحظه‌ها، مخصوصاً وقتی ذهنم شلوغ است یا حال‌وحوصله ندارم استفاده از ویپ برایم نوعی آرامش کوتاه‌مدت ایجاد می‌کند؛ حداقل برای چند دقیقه حس می‌کنم سبک‌تر شدم.این دختر نوجوان بیان می‌کند: آگاهی زیادی درباره این موضوع ندارم، راستش دقیق نمی‌دانم چقدر ضرر دارد. یک نفر می‌گوید، خیلی بد است، یک نفر می‌گوید، چیزی نیست. آدم گیج می‌شود. فضای جمعی دوستان روی طرز نگاه من خیلی اثر گذاشته است؛ وقتی بیشتر دوستان استفاده می‌کنند، کم‌کم برایت عادی می‌شود. بعضی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم شاید اگر بیشتر بدانم، تصمیم فرق کند، اما الان فقط می‌دانم که تبدیل به عادت شده است.

آرتیسا توضیح می‌دهد: ما یک جمع ۱۱نفره هستیم؛ جمعی که «ویپ برایمان مانند گوشی و کارت‌بانکی، بخشی از زندگی روزمره است.» همیشه و همه‌جا همراه ما شده و بخشی از زندگی ما.

کنجکاو۱ و یک سوال بی‌پاسخ

زهره، ۱۵ساله با اشاره به نخستین تجربه‌اش از مصرف ویپ اظهار می‌کند:اولین بار از روی کنجکاو۱ امتحان کردم. دوستانم می‌گفتند چیزی نیست، فقط دود است. اول شبیه بازی بود، اما کم‌کم دیدم بی‌دلیل پادش می‌افتم و دوست دارم دلشته باشم و استفاده کنم.وی می‌افزاید: هنوز نمی‌دانم دقیقاً درون آن چیست؟ ما بیشتر به حرف همدیگر گوش می‌دهیم تا بزرگ‌ترها. دوستانم تحقیق کردند و می‌گویند بی‌خطر است، اما ته دلم همیشه یک سوال است که آیا واقعاً بی‌خطر است؟ این دختر نوجوان بیان می‌کند: یک‌بار مادرم متوجه بوی آن شد. دعوایم کرد و ناراحت شد، دستگاه ویپ را شکست. بعد از آن من تا مدت‌ها ویپ ندانستم از دعوایم؛ ترسیدم؛ از ناراحت شدنش می‌ترسیدم، اما بعد با خودم فکر کردم نکند چیزی باشد که بعدها پشیمانم کند. شاید دانستن حقیقت مهم‌تر از دنبال کردن جمع باشد.

زهره توضیح می‌دهد: وقتی مادرم ویپ‌ها را شکست، تا مدت‌ها نتوانستم تهیه کنم. خیلی تلاش کردم قانعش کنم که این وسیله بی‌خطر است و فرقی با همان قلیانی که بعضی وقت‌ها در جمع‌های خانوادگی استفاده می‌کنند، ندارد، اما فایده‌ای نداشت. مدتی صبر کردم و بعد پول‌های توجیبی‌ام را جمع کردم. این بار یک ویپ صورتی متالیک با طعم توت‌فرنگی خریدم. حالا سعی می‌کنم دور از چشم خانواده و بیشتر در جمع دوستانم از آن استفاده کنم؛ نمی‌خواهم باز بحث و ناراحتی پیش بیاید، برای همین ترجیح می‌دهم کسی در خانه متوجه نشود.

تجربه‌ای که به آگاهی ختم شد

شواوینز اظهار می‌کند: من تجربه‌ای متفاوت دارم؛ تنها یک‌بار در جشن تولد دوستم، ماده‌ای که «گل» نامیده می‌شد را امتحان کردم.حس سبکی و بی‌خیالی داشتم، صدها دورتر می‌شد و زمان کندانر می‌گذشت. خنده‌ها بی‌دلیل می‌آمد، اما در کنارش نوعی ناآرامی بدودی می‌افزاید: همان یک‌بار کافی بود،فهمیدم هر چیز ناشناخته‌ای می‌تواند پیام دلشسته باشد.بعد از آن تصمیم گرفتم دیگر سمتش نروم؛ نه از روی ترس، بلکه از روی آگاهی. حس کردم باید بیشتر بدانم و بفهمم واقعاً چه تأثیری روی بدن و ذهن آدم می‌گذارد. این دختر ماجراجو بیان می‌کند: شروع کردم به جست‌وجو و تحقیق؛ مقاله خواندم، ویدئو دیدم و با چند نفر که تجربه داشتند، صحبت کردم. هرچه بیشتر فهمیدم، بیشتر مطمئن شدم که نمی‌خواهم دوباره امتحانش کنم. شیوا می‌گوید: تلاش کردم دوستم را هم از ادامه مصرف منصرف کنم، اما موفق نشدم. خیلی با او حرف زدم و گفتم این ماده می‌تواند به مغز آسیب بزند و وابستگی ایجاد کند، اما قبول نکرد.

وی با نگرانی از وضعیت دوستش ادامه می‌دهد: می‌بینم که با چه سختی تهیه‌اش می‌کند؛ هر گرم این مواد را باقیمت خیلی بالا می‌خرد و فقط برای چند روز مصرف می‌شود. این برای من ناراحت‌کننده است، چون می‌دانم آرامشی که می‌دهد موقتی است، اما آسایش می‌تواند ماندگار باشد. همین تجربه باعث شده نگاهم تغییر کند. الان بیشتر از قبل فکر می‌کنم و سعی می‌کنم قبل از هر تصمیمی، آگاهانه انتخاب کنم.

گزارش میدانی؛ عصر گاهی در مرکز تجاری اصفهان

در هیاهوی رفت‌وآمد عصر گاهی یکی از مراکز تجاری مهم اصفهان، گروه‌هایی از دختران نوجوان در حال گفت‌وگو و خنده دیده می‌شوند. ظاهرشان مدرن است؛ موهایی رنگی، لباس‌های خاص و سبک زندگی متفاوت. در میان آن‌ها، چند نفر ویپ در دست دارند. بخار سفید در هوا پخش می‌شود، بی‌صدای اما پر معنا.

ویپ به‌عنوان پناه

آبتیا، ۱۵ساله‌اظهار می‌کند:هفته پیش تولد ۱۴ سالگی‌ام بود و تازه‌وارد ۱۵ سالگی شدم. خوشحالم که بزرگ‌تر شدم و قدرت تصمیم‌گیری‌ام بالاتر رفته است. ما در این مرکز خرید جمع می‌شویم، زیرا هیچ سرگرمی واقعی نداریم؛ چیز اینکه عصرها اینجا جمع شویم.

وی با اشاره به جدایی والدینش و با نگاه به ویپ درون دستش می‌افزاید: هیچ کس واقعاً نمی‌فهمد من چه می‌خواهم و چه حسی دارم. از وقتی استفاده می‌کنم، حس می‌کنم غم‌هایم کمتر شده؛ حداقل برای مدتی کوتاه. جدایی پدر و مادرم خیلی روی من تأثیر گذاشت. خانه ساکت‌تر شد، حرف‌ها کمتر شد و من نتهار شدم.

جامعه

کنجکاو۱ که دود شد؛ دختران نوجوان در مسیر خاموش خطر



این دختر نوجوان بیان می‌کند: این تنهایی فقط به فضای خانه محدود نشده است، گاهی حتی وقتی بین بقیه هستم، باز هم حس تنهایی دارم. انگار کسی حال درونم را نمی‌بیند. یکی از سخت‌ترین تجربه‌هایم دل‌کندن از «شروین» بود؛ دوستم و عشقم بود، کسی که فکر می‌کردم همیشه می‌ماند. وقتی از هم جدا شدیم، حس کردم یک‌دفعه درونم خالی شد.آبتیا ادامه می‌دهد: شاید برای همین به چیزهایی پناه بردم که حال‌م را عوض کند. وقتی استفاده می‌کنم، برای چند لحظه ذهنم آرام‌تر می‌شود و کمتر به گذشته و ناراحتی‌ها فکر می‌کنم. می‌دانم این راه‌حل واقعی نیست، اما گاهی فقط می‌خواهم کمی سبک‌تر نفس بکشم.

وی تأکید می‌کند: من از ویپ استفاده می‌کنم؛ چون حس می‌کنم به فاصله گرفتن از افکار منفی کمک می‌کند. وقتی ویپ می‌کشم، برای لحظه‌هایی از فکر، غم و ناراحتی درونم کم می‌شود. در آن لحظه‌های کوتاه، ذهنم آرام‌تر می‌شود و فشار فکرهایی که مدام در سرم می‌چرخد، کمتر حس می‌شود؛ انگار چند دقیقه سکوت در ذهنم ایجاد می‌شود.این دختر نوجوان ادامه می‌دهد: شاید از نگاه دیگران عادی به نظر برسد، اما وقتی آدم از درون شلوغ است، دنبال هر چیزی می‌گردد که حالش را عوض کند. برای من این فقط یک وسیله نیست، بیشتر شبیه یک راه موقت برای فرار از حال بد است. با این حال می‌دانم این آرامش همیشگی نیست؛ و بعد از مدتی دوباره همان فکرها برمی‌گردد، اما همان چند لحظه هم گاهی برایم مهم است، چون حس می‌کنم می‌توانم کمی نفس بکشم و از سنگینی ذهنم فاصله بگیرم.

وقتی دود، همدم تنهایی می‌شود

مهدی، ۱۹ساله‌اظهار می‌کند: من سیگار می‌کشم، اما لایت استفاده می‌کنم؛ چون فکر می‌کنم سبک‌تر است. معمولاً روزی یک پاکت مصرف می‌کنم، البته بستگی به دغدغه‌های ذهنی‌ام دارد. از وقتی سیگار به بخشی از زندگی روزمره‌ام تبدیل شده، دیگر حضورش برایم عادی شده است.

وی می‌افزاید: مادرم فوت شده و این موضوع خیلی روی من تأثیر گذاشت. بعد از آن، بیشتر در خودم فرو رفتم. در یک کافی‌شاپ کار می‌کنم و فضای کاری‌ام بی‌تأثیر نبوده است؛ شاید بتوانم بگویم همین فضا کم‌کم باعث شد به سیگار عادت کنم، چون خیلی‌ها در اطرافم می‌کشیدند و برایم عادی شد.

این دختر جوان بیان می‌کند: گاهی وقت‌ها که ذهنم خیلی درگیر است، بدون اینکه خودم متوجه شوم حتی تا دو پاکت در روز هم مصرف می‌کنم. با خودم می‌گویم لایت است، سبک و خنک، اما بیشتر از آن چیزی که فکر می‌کنم مصرف می‌شود؛ مخصوصاً وقتی فکر و نگرانی زیادی دارم.

قلیان؛ روایت یک دورهمی

مینا، ۲۲ساله‌اظهار می‌کند: قلیان برای او و دوستانش نوعی سرگرمی و پیوند اجتماعی است؛ وسیله‌ای که آن‌ها را دور هم جمع و حس تعلق ایجاد می‌کند. این تغییر نشان می‌دهد که مصرف دخانیات، تنها یک رفتار فردی نیست، بلکه در بستر فرهنگ و روابط اجتماعی معنا پیدا می‌کند.

وی می‌افزاید: در محفل‌های دوستانه با یک قلیان و یک تنباکو ساعت‌ها سرگرم هستیم و از هر دری سخن می‌گوییم بدون اینکه گذشت زمان را متوجه شویم و به نظر من این اصلاً چیز مخربی نیست اگر ضرری هم باشد به جسم خودمان زده می‌شود. این دختر جوان بیان می‌کند: اوایل در جایخانه‌ها سرویس به بانوان هم می‌دادند، اما چند وقتی است که مانع ورود بانوان به جایخانه‌ها شده‌اند، این است که من همیشه قلیان و وسایل جانبی‌اش را در صندوق عقب ماشین دارم تا در هر مناسبی در کنار دوستانم بتوانیم ساعتی تفریح کنیم.

دیدشدن در میان جمع

نرگس، ۱۴ساله‌نیز اظهار می‌کند: من مثل دوستانم فکر نمی‌کنم. دوست دارم بیشتر دیده شوم و با بقیه فرق داشته باشم. حس خاص بودن را دوست دارم. برای همین همیشه تیپ خاص دارم این هفته موهایم را به رنگ آبی درآوردم هفته دیگر سبز یا رنگ دیگری می‌افزاید: دنیا در حال تغییر است و من فقط یک‌بار در این سن هستم، تنوع را دوست دارم طرز تفکر من با نسل قبل و بعد فرق می‌کند. اهل دلبستن و دل باختن نیستم و دوست دارم همه چیز را تجربه کنم. در جمع دوستانم قلیان کشیدم تا ویپ و ویپ و گل.این دختر نوجوان بیان می‌کند: به عقیده من وقتی از سر تفتن باشد، اعتیادی در پی ندارد. من کنجکاو هستم و دنبال کسب تجربه. انتخاب من ویپ بوده در حالی که بعضی از مخدرهای شایع را در حد یک‌بار تجربه کردم و دنبالش نرفتم، اما برای من ویپ حس خاص بودنش بیشتر است.

نرگس با اشاره به ویپ درون دستش توضیح می‌دهد: ویپ من را ببینید با همه ویپ‌ها فرق می‌کند. به دوست پدرم که از کشور امارات می‌آمد گفتم برای من ویپ با شکل خاص یابورد که او هم پس از گذشن بسیار موفق شده بود. این مدل را برای من هدیه یابورد. این نیکوتین و سری‌های مخصوص در ایران ۴۰۰ میلیون تومان قیمتش است.وی با لبخندی ر لب می‌گوید: آدم خاص باید همه وسایلش خاص باشد. من در هر سنی دوست دارم دیده شوم. کوچک‌تر که بودم با لسکیت و اسکوتر خاص دیده می‌شدم و معروف بودم. شاید در جوانی به نوع ماشین و نوع گوشی دستم معروف باشم در کل من از این حس خوشم می‌آید.

این دختر نوجوان خاطر نشان می‌کند: پدرم کارخانه‌دار است و مادرم مرتب در جمع دوستانم، من مثل سارا اینستم و خانواده‌ام هیچ مشکلی با ویپ کشیدن من ندارند و در این موارد آزادی عمل دارم. پدر و مادر من می‌گویند هرچا هستی مراقب باش و شب حتماً به خانه بیا حالا هر ساعت مهم نیست، اما در نهایت شب را باید خانه باشم و این تنها، باید زندگی من است.

همچنین درباره ویپ، پاد و سیگارهای الکترونیک؛ از قیمت تا کاربرد پو۱۳ساله، فروشنده دخانیات‌اظهار می‌کند: در دنیای امروز، ویپ‌ها و پادها به‌سرعت جای خود را در میان نسل جوان باز کرده‌اند و برای بسیاری به جایگزینی برای سیگار و قلیان تبدیل شده‌اند. این دستگاه‌های کوچک، رنگی و مدرن با طراحی جذاب و طعم‌های متنوع، تجربه‌ای متفاوت از مصرف نیکوتین ارائه می‌دهند؛ تجربه‌ای که برای برخی سرگرمی، برای برخی عادت و برای عده‌ای بخشی از سبک زندگی شده است.وی می‌افزاید: ویپ دستگاهی است که با «جوس» یا مایع نیکوتین‌دار کار می‌کند و بیشتر به دلیل طعم‌های متنوع و جنبه سرگرمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. معمولاً میزان نیکوتین در ویپ کمتر است و بسیاری از مصرف‌کنندگان آن را برای تجربه طعم‌ها و حس متفاوت بخار استفاده می‌کنند.این فروشنده دخانیات بیان می‌کند: در مقابل، «پاد» نوعی سیگار الکترونیک است که با سالت نیکوتین کار می‌کند و نیکوتین بالاترزی دارد؛ به همین دلیل برخی آن را جایگزینی برای سیگار سنتی می‌دانند و به دنبال دریافت نیکوتین قوی‌تر به سراغ آن می‌روند. از نظر قیمت، بازار این محصولات بسیار متنوع است.پو۱ا توضیح می‌دهد: ویپ‌های یک‌بارمصرف از حدود ۴۰۰ هزار تومان شروع می‌شوند، در حالی که مدل‌های پیشرفته و چند بار مصرف مانند Drag XPlus یا برندهای چون اسموک، گیگ ویپ و وی پرسو ممکن است تا حدود ۹ میلیون تومان قیمت داشته باشند. این دستگاه‌ها لوازم جانبی مختلفی مانند کوئل، اتومایزر، سری مخصوص و ابزارهای تنظیم دارند که بسته به مدل، هزینه و کارکرد متفاوتی ایجاد می‌کنند.وی تأکید می‌کند: جذابیت اصلی ویپ برای بسیاری از مصرف‌کنندگان، پیش از آنکه به نیکوتین مربوط باشد، به‌ظاهر، استایل و طعم‌های متنوع آن بازمی‌گردد. در

مقابل، پاد بیشتر برای دریافت نیکوتین و جایگزینی سیگار استفاده می‌شود. در میان مصرف‌کنندگان، گروه سنی ۱۷ تا ۲۴ سال بیشترین حضور را دارند و برخی از نوجوانان و جوانان، ویپ و پاد را نه نشانه وابستگی، بلکه بخشی از هویت اجتماعی و دیده‌شدن در جمع می‌دانند.در این میان، موضوع مهم دیگری نیز مطرح است: استفاده از جوس‌ها و ترکیبات مختلف در ویپ. جوس همان مایع طعم‌دهنده و نیکوتین است که در انواع مختلف با میزان نیکوتین متفاوت عرضه می‌شود. با این حال، متخصصان هشدار می‌دهند که گاهی مواد خطرناک‌تری نیز ممکن است در این دستگاه‌ها استفاده شود و همین موضوع، ریسک‌های جسمی و روانی را افزایش می‌دهد. ظاهر جذاب، بسته‌بندی لوکس و طعم‌های فریبنده می‌تواند خطر واقعی نیکوتین و وابستگی را پنهان کند.

تصمیم‌های احساسی در نوجوانی؛ مسیری تدریجی از تجربه تا عادی‌شدن

حسن‌رضا یوسفوند، عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور مرکز اصفهان با نگاهی واقع‌گرایانه به ریشه‌ها و راه‌های مواجهه با این پدیده اظهار می‌کند: آنچه امروز در رفتار برخی دختران نوجوان دیده می‌شود، صرفاً گرایش به یک وسیله یا ماده نیست، بلکه بازتاب تغییرات عمیق در روابط اجتماعی و عاطفی نسل جدید است. وقتی حق نوجوان ویپ را «دوست» یا «پناه» توصیف می‌کنند، این نشان‌دهنده خلأ عاطفی و نیاز به آرامش و دیده‌شدن است؛ نیازی که اگر در خانواده و محیط اطراف پاسخ نگیرد، ممکن است به شکل‌های دیگری بروز کند.

وی می‌افزاید: در سنین نوجوانی، تعلق به جمع همسالان نقش بسیار پررنگی دارد و بسیاری از رفتارها نه از روی آگاهی، بلکه تحت‌تأثیر کنجکاو۱ و فشار جمعی شکل می‌گیرد. جملاتی مانند «فقط یک‌بار امتحان کردم» یا «همه دوستانم استفاده می‌کنند» نشان می‌دهد تصمیم‌گیری در این سن بیشتر اجتماعی و احساسی است تا منطقی. این استاد دانشگاه بیان می‌کند: در بسیاری از موارد، رفتارهایی مانند استفاده از ویپ می‌تواند بخشی از یک مسیر تدریجی باشد؛ مسیری که با کنجکاو۱ آغاز می‌شود، با عادی‌شدن ادامه پیدا می‌کند و در برخی موارد به تجربه‌های پرخطرتر منتهی می‌شود، هرچند این روند برای همه نوجوانان یکسان نیست و آگاهی می‌تواند مسیر را تغییر دهد. یوسفوند تصریح می‌کند: ریشه اصلی این گرایش‌ها را باید در نیازهای پاسخ داده نشده نوجوان جست‌وجو کرد. نیاز به دیده‌شدن، نیاز به آرامش روانی، نیاز به تعلق اجتماعی و نیاز به فهمیده‌شدن در خانواده، چهار محور اصلی هستند که در روایت دختران به‌وضوح دیده می‌شود. وقتی این نیازها نادیده گرفته شوند، نوجوان ممکن است به رفتارهایی روی آورد که در ظاهر ساده اما در باطن آسیب‌زا هستند.

وی با اشاره به نقش خانواده می‌گوید: واکنش‌هایی مانند خشم، ترس یا تنبیه معمولاً نتیجه معکوس دارند و باعث پنهان‌کاری بیشتر نوجوان می‌شوند. گفت‌وگوی بدون قضاوت، شنیدن فعال و ایجاد احساس امنیت عاطفی می‌تواند تأثیر بسیار بیشتری از کنترل و محدودیت داشته باشد. به صورتی که هر چه جو خانواده شلوغ‌تر باشد خطر گرایش به مواد روان‌گردان در فرزندان بیشتر خواهد بود.

این استاد جامعه‌شناس تأکید می‌کند: مدرسه و محیط اجتماعی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار نوجوانان دارند. اگر نوجوان در مدرسه احساس ارزشمندی، مشارکت و هویت نکند، ممکن است این احساس را در جمع‌های بیرون از چارچوب‌های سالم جست‌وجو کند. ایجاد فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و دسترسی به مشاوره می‌تواند از گرایش به رفتارهای پرخطر بکاهد.

یوسفوند خاطرنشان می‌کند: برخلاف تصور برخی، هنوز برای بسیاری از این نوجوانان دیر نشده است. نشان‌های تردید، پرسشگری و آگاهی که در سخنان برخی از دختران دیده می‌شود، نشان می‌دهد صدای درونی آنان زنده است و اگر با آگاهی، گفت‌وگو و حمایت همراه شوند، می‌توانند مسیر سالم‌تری را انتخاب کنند. نوجوان بیش از هر چیز نیاز دارد شنیده شود، زیرا وقتی شنیده شود، کمتر به چیزهایی پناه می‌برد که قرار است جای خالی شنیده‌شدن را پر کنند.

روایت‌ناپیدای درون نوجوانان؛ جست‌وجوی آرامش میان اضطراب و احساس پوچی حمید افشار رنجانی، روان‌پزشک و دانشیار سابق دانشگاه علوم پزشکی اصفهاننیز اظهار می‌کند: برای تعداد برخی دختران نوجوان، پناه دادن به «دنیای درونی» آنان نزدیک شد؛ جایی که اغلب پر از احساسات متناقض است. میان نیاز به استقلال و نیاز به تکیه‌گاه. نوجوان ممکن است ظاهراً شاد و اجتماعی به نظر برسد، اما در درون با اضطراب، بی‌ثباتی هیجانی و پرسش‌های هویتی دست‌وپنجه نرم کند. در چنین شرایطی، برخی رفتارها نه از سر لذت، بلکه برای خاموش کردن موقت آشفتگی درونی شکل می‌گیرند.

وی می‌افزاید: بسیاری از این نوجوانان در جلسات مشاوره از «احساس پوچی» یا «بی‌معنایی لحظه‌ها» صحبت می‌کنند؛ احساسی که الزماً ناشی از فقر یا بحران شدید نیست، بلکه گاه از نبود گفت‌وگوی عاطفی، نبود شنونده واقعی و تجربه مکرر نادیده‌گرفته‌شدن شکل می‌گیرد. در این وضعیت، نوجوان به دنبال تجربه‌هایی می‌رود که حس «تغییر حال» ایجاد کند، حتی اگر کوتاه و گذرا باشد.

این استاد سابق دانشگاه بیان می‌کند: یکی از نکات مهم در روایت این دختران، نقش «بدن» و تصویر خود است. در سال‌های نوجوانی، هویت بدنی و احساس جذابیت یا پذیرفته‌شدن ظاهری اهمیت زیادی پیدا می‌کند و برخی رفتارها گاه با این تصور اشتباه همراه می‌شوند که نشانه بزرگ‌تر شدن، متفاوت‌بودن یا مدرن بودن هستند که این برداشت‌ها بیشتر اجتماعی و نمادین هستند تا واقعی.

افشار تصریح می‌کند: برخی نوجوانان از این رفتارها به‌عنوان «تنظیم‌کننده رابطه» استفاده می‌کنند؛ یعنی وسیله‌ای برای نزدیک‌شدن به جمع، شروع گفت‌وگو یا حفظ پیوند با دوستان. در بسیاری از موارد، خود رفتار اهمیت ثانویه دارد و آنچه مهم است، حس تعلق و همراهی رست که از طریق آن به دست می‌آید، بنابراین اگر راه‌های سالم‌تری برای تجربه تعلق فراهم شود، جذابیت رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. وی با اشاره به بعد عاطفی خانواده می‌گوید: نوجوان بیش از کنترل، به «حضور هیجانی» والدین نیاز دارد. حضور هیجانی یعنی گوش‌دادن واقعی، واکنش همدلانه و پذیرش احساسات اگر با رفتار او موافق نباشیم. بسیاری از نوجوانان نمی‌خواهند از خانواده فاصله بگیرند، بلکه فقط می‌خواهند بدون ترس از قضاوت، خود واقعی‌شان دیده شوند.این استاد سابق دانشگاه می‌افزاید: در کار میدانی، مشاهده می‌شود نوجوانانی که امکان بیان احساسات، فعالیت خلاقانه یا تجربه موفق فعالیت خلاقانه یا تجربه موفقیت کوچک را دارند، کمتر به رفتارهای جایگزین پناه می‌برند. اهمیت برنامه‌های مدرسه‌محور، گروه‌های گفت‌وگو، هنر، ورزش و فعالیت‌های جمعی سالم می‌توانند فضاهایی ایجاد کنند که نوجوان بتواند بدون برجسب، خود را تجربه کند.

افشار تأکید می‌کند: مهم‌ترین نکته، دیدن «انسان پشت رفتار» است. هر رفتار پیامی دارد و پیام بسیاری از این نوجوانان، نیاز به امنیت، معنا و ارتباط است. اگر جامعه، خانواده و نهادهای تربیتی بتوانند این پیام را بشنوند و پاسخ دهند، بسیاری از مسیرها پیش از آنکه به آسیب جدی برسند، تغییر خواهند کرد.

به گزارش ایسنا، آنچه در این گزارش و گفت‌وگوها دیده شد، تنها روایت چند نوجوان با یک رفتار گذرانست؛ بلکه تصویری از لایه‌های پنهان دنیای نوجوان و جوان امروز است، دنیایی که در آن کنجکاو۱، تنهایی، نیاز به تعلق، فشار جمع و جست‌وجوی آرامش در هم تنیده‌اند. از بخارهای بی‌صدای ویپ تا تجربه‌های پرخطرتر، مسیرها همیشه از «آسب» آغاز نمی‌شوند؛ اغلب از یک خلأ کوچک، یک پرسش بی‌پاسخ یا یک احساس نادیده گرفته‌شدن شروع می‌شوند.

نکته مهم این است که در پس بسیاری از این رفتارها، نه میل به تخریب، بلکه تلاشی برای یافتن آرامش، معنا و دیده‌شدن وجود دارد. نوجوانی دوره عبور است، میان کودکی و بزرگسالی، میان وابستگی و استقلال، میان سردرگمی و شناخت. در این گذرگاه، اگر گفت‌وگو جای قضاوت، آگاهی جای شایعه، و همراهی جای فاصله را بگیرد، بسیاری از انتخاب‌های می‌توانند مسیر سالم‌تری پیدا کنند. خانواده، مدرسه و جامعه هر سه در این میان نقشی تعیین‌کننده دارند؛ نه فقط برای هشداردادن، بلکه برای شنیدن، فهمیدن و ساختن فضاهایی که نوجوان در آن احساس امنیت و ارزشمندی کند. زیرا نوجوانی که شنیده شود، کمتر به جایگزین‌هایی پناه می‌برد که قرار است خلأ شنیده‌شدن را پر کنند. شاید مهم‌ترین پیام این روایت همین باشد: هنوز دیر نشده است. در میان تردیدها و تجربه‌ها، صدای آگاهی و امید همچنان زنده است، صدایی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر برای نسل امروز رقم بزند.

حق بیمه امسال ۶۸ درصد گران شد

طبق آمار منتشر شد از سوی بیمه مرکزی، صدور بیمه نامه‌ها در کشور ۱/۴ درصد نسبت به پارسال افزایش یافته اما حق بیمه تولیدی در این مدت ۶۸ درصد رشد داشته که ناشی از رشته بیمه زندگی و بیمه درمان است.

به گزارش ایسنا، طبق آمار منتشر شده از سوی بیمه مرکزی درباره عملکرد صنعت بیمه در ۱۰ ماهه سال (تا پایان دی)، حدوداً ۶۵/۶۸ میلیون فقره بیمه نامه (۱/۴ درصد افزایش نسبت به سال قبل) صادر شد تا مجموع حق بیمه تولیدی در این مدت به رقم ۶۰۲ هزار میلیارد تومان برسد که نسبت به مدت مشابه سال قبل، افزایش ۶۸ درصدی داشته است. این افزایش بیشتر به دلیل رشد ۱۳۸/۷۵ درصدی رشته بیمه زندگی و رشد ۷۴/۶۸ درصدی رشته بیمه درمان صورت گرفته است.

رشته بیمه درمان با ۳۷/۹ درصد سهم از حق بیمه (۳۸/۵ درصد سهم از خسارت پرداختی) در رتبه نخست رشته‌های بیمه‌ای قرار دارد، بیمه شخص ثالث و مازاد با ۲۱/۷۳ درصد سهم از حق بیمه (۲۲/۲ درصد سهم از خسارت پرداختی) در رتبه دوم و رشته بیمه زندگی با ۲۰/۲۲ درصد از حق بیمه (۲۲/۳ درصد سهم از خسارت پرداختی) در رتبه سوم قرار دارد.

خسارت پرداختی شرکت‌های بیمه در این مدت حدود ۳۷۰/۱ هزار میلیارد تومان بوده که افزایش ۹۲/۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل را نشان می‌دهد. تعداد خسارت پرداختی نیز با ۲۱/۲ درصد رشد به حدود ۸۹/۳ میلیون مورد افزایش یافت. نسبت خسارت پرداختی به حق‌بیمه‌ها نیز با ۶۱/۵ درصد، نسبت به سال گذشته ۷/۹ واحد رشد داشته است.

طبق آمار در ۱۰ ماهه صنعت بیمه کشور، حدوداً ۳۲ میلیارد ریال خسارت ناشی از افت قیمت خودرو پرداخت شده است که حدود ۳/۷ درصد از کل خسارات پرداختی رشته شخص ثالث و مازاد را به خود اختصاص داده است.

مهلث ثبت‌نام بیمه تکمیلی درمان بازنشستگان تأمین اجتماعی تمدید شد

مدیرعامل شرکت آتیه سازان حافظ، از تمدید مهلت ثبت‌نام بیمه تکمیلی درمان بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی در طرح‌های پایه و طلایی تا ۲۰ اسفند ۱۴۰۴ خبر داد.

به گزارش مهر، حسین رنجبران گفت: به منظور ایجاد فرصت کافی و رعایت حال آن دسته از بازنشستگان که تاکنون موفق به تکمیل فرآیند ثبت‌نام بیمه تکمیلی نشده‌اند، با توافق کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی و شرکت آتیه سازان حافظ، مهلت ثبت‌نام در طرح‌های پایه و طلایی تا ۲۰ اسفند ماه سال جاری تمدید شد.

وی افزود: تمامی بازنشستگان و مستمری‌بگیرانی که قصد بهره‌مندی از خدمات بیمه تکمیلی درمان (طرح‌های پایه و طلایی) را دارند، می‌بایست در بازه زمانی اعلام شده، نسبت به تکمیل مراحل ثبت‌نام خود اقدام نمایند.

گفتنی است، پس از پایان مهلت اعلام شده (۲۰ اسفند ۱۴۰۴)، امکان تمدید دوباره با ثبت‌نام جدید فراهم نخواهد بود.

اصلاحیه

پیرو چاپ آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت اول) شرکت تعاونی مسکن جهان خاتم عمران سازه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۲ در روزنامه نور خوزستان روز برگزاری جلسه مجمع (روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳) صحیح می باشد.

اعلام مفقودیت گذرنامه

گذرنامه عراقی اینجناب امیرموید فرزند طالب به شماره – صادره از شهر بابل مفقود گردید.

لذا از یابنده تقاضا میشود آنرا به سرکنسولگری جمهوری عراق در اهواز به آدرس: امانیه خیابان سقراط پلاک ۹ جنب بنیاد شهید استان خوزستان تحویل نماید.

اعلام مفقودیت گذرنامه

گذرنامه عراقی اینجناب محسن حسن فرزند راضی به شماره – صادره از شهر نجف مفقود گردید.

لذا از یابنده تقاضا میشود آنرا به سرکنسولگری جمهوری عراق در اهواز به آدرس: امانیه خیابان سقراط پلاک ۹ جنب بنیاد شهید استان خوزستان تحویل نماید.

اعلام مفقودیت گذرنامه

گذرنامه عراقی اینجناب علی کاظم فرزند غالی به شماره – صادره از شهر بغداد مفقود گردید.

لذا از یابنده تقاضا میشود آنرا به سرکنسولگری جمهوری عراق در اهواز به آدرس : امانیه خیابان سقراط پلاک ۹ جنب بنیاد شهید استان خوزستان تحویل نماید.

اعلام مفقودیت گذرنامه

گذرنامه عراقی اینجناب علی طاهر فرزند حسین به شماره – صادره از شهر بصره مفقود گردید.

لذا از یابنده تقاضا میشود آنرا به سرکنسولگری جمهوری عراق در اهواز به آدرس : امانیه خیابان سقراط پلاک ۹ جنب بنیاد شهید استان خوزستان تحویل نماید.